

## شکوفان باد جمهوری توده‌های آلبانی

نامه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان به کمیته مرکزی حزب کار آلبانی بحتاسیت بیست و پنج سالگی جمهوری توده‌های آلبانی

کمیته مرکزی حزب کار آلبانی  
رفقای عزیز

بصورت افزاینده از اندازه و تنه‌ها چهره آمده است و سره سستی بردارود ستم مرتد روینویست‌های شوروی وارد آورد و مخلق‌های اروپای شرقی در مبارزتها این درآورد ستم‌ها چخشید .

تصمیمات تاریخی شمشینی برانقلابی کردن کیششون اجتماعی ریشه‌کن ساختن آید تلووری، بورژوازی و شکن کردن آید تلووری برافکار براند اختن بورژوازیسم چلوگیرو آید ایشان، پرورش انسان نوین، سب بزرگی است که در رقی ساختن مارکسیسم - لنینیسم در ساختن کامل سوسیالیسم بقا میشود .

امروز جمهوری توده‌های آلبانی در کار جمهوری توده‌های چین بصورت درخشین پانزدهم، سوسیالیسم را بدست آورده است . پشتیبانی و دفاع از جمهوری توده‌های چین و جمهوری توده‌های آلبانی وظیفه تاریخی و حیاتی کلیه نیروها و خلق‌های انقلابی است .

مبارزات جمهوری توده‌های آلبانی پیروزی‌های روز افزون در ساختمان سوسیالیسم در ریکا با امپریالیسم و روینویست‌سیم آرزویندیم .

شکوفان باد جمهوری توده‌های آلبانی .

افتخار حزب کار آلبانی و رهبران مارکسیست - لنینست بزرگ، رفیق انور خوجه .

استواران دفتر انترناسیونالیسم پرولتری .

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

اجازت دهید بیست و پنج سالگی جمهوری توده‌های آلبانی را بشناسیم بهمه اعضای حزب و مخلق‌های همتا آلبانی تبریک بگوئیم . جشن بزرگ و مجامعین همه کارگران و زحمتکشان و همه خلق‌های جهان است .

بیست و پنج سال پیروزم آلبانی تحت رهبری حزب طبقه کارگر که بدست رفیق انور خوجه بنیاد گذاری شده بود کشور آلبانی را با تکیه بر نیروی خویش از مهاجمان رهایی بخشیدند، حکومت طبقات استثمارگر را برانداختند و دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر گردانیدند . اینک پس از بیست و پنج سال، کشور شما که قبل از جنگ دوم جهانی عقیم‌ترین کشور اروپا بود به کشوری پیشرفته در صنعت و کشاورزی و فرهنگ سوسیالیستی شکوفان مبدل شده است .

پیروزی بزرگ ساختمان سوسیالیسم را خلق آلبانی در سایه کار و کوشش خستگی ناپذیر خود و رهبری خردمندانه حزب کار آلبانی و مارکسیست - لنینیست بزرگ، رفیق انور خوجه بدست آورده است . این پیروزی ظهور پیروزی مارکسیسم - لنینیسم است، ثوریا کیزگی آید تلوولولیک مشی عمومی حزب کار آلبانی در کلیه اخل تاریخی کشور شماست .

رفیق انور خوجه که با لایحق گفته است که حزب شما " نه در روز صف‌شود و نه در عصرین المللی هرگز به سوداگری بر سر اصول انقلابی تن نداد است " . روینویست‌های خائن شوروی و دولت‌های فرمالی برشان برای مقابله با استواری آید تلوولولیک حزب کار آلبانی کلیه قرار داد های اقتصادی، سیاسی و نظامی را با جمهوری توده‌های آلبانی از هم دوریدند و در ۲۲ حزینکونست شوروی حمله نمودی بر آلبانی را سازمان دادند . ولی جز مخلق آلبانی با افتخار و قهرمانانه در مقابل مارکسیستی - لنینیستی توانستند در شوری‌های سیاسی، انقلابی بکند و به ساختمان پیروزمندانه سوسیالیسم ادامه دهند و در مبارزه علیه امپریالیسم و روینویست‌سیم شرقی، با کمک مخلق‌های همتا آید تلوولولیک در عمل در لیرا نه جمهوری توده‌های آلبانی، خروج آریمان، شوکسده تباست

## مسافرتی دیگر

محمد رضاشاه در اواخر مهرماه اسامیل بارد پیکر به ایالات متحده امریکا شتافتا مراتب خلاص خویش را به رئیس جمهور جدید - نیکسون - و به انحصارهای امریکائی ابراز دارد . محمد رضاشاه این وظیفه را بطور منظم در قبال آمریکائی انجام داده است و تا بر سر کار است بطور منظم انجام خواهد داد . شامیدان خاطر به امریکا میروند تا حمایت امپریالیست‌ها را از تاج و تختش دوام بخشد و تا کون هریار که از آنجا بازگشته و خرنسندی کامل داشته که ضمانت آنها را همراه خود آورده است آنچه تنها خاطر ملوکانه را میزنجاند و هریار بیشتر میزنجاند - نظاهرات پرشور و انشجریان ایرانی . در امریکا ست که به نحو شایسته‌های چهره‌گره این دو شخص را به مردم امریکا مینمایانند .

نیایش محمد رضاشاه در برابر اربابان امریکائی پدیده تازه‌ای نیست . اگر او این بار نیز بدین نیایش پرداخت برای این بود که " محبت " امریکا را بیشتر از آنچه هست بخود جلب کند و به آنها اطمینان دهد که دستشان گمگام در غارت ثروتهای ملی کشورها باز است که ایران بعنوان حلقه محکمی در زنجیر عطیات نظامی امریکا باقی خواهد ماند که در ایران ثبات کامل حکمفرماست و برای صدور سرمایه به ایران جای ترس نیست که امریکا باز هم بیشتر میتواند نفت ایران را برید و مطمئن باشد که آنچه هم که بماند صدقه به ایران پرداخته میشود و برای خرید اجناس امریکا مجدداً به امریکا سرازیر خواهد شد .

آنچه از این نیایش محمد رضا شاه نسبت به ارباب جالینراست لطف و نفق روز افزون ارباب نسبت به اوست و نقد پس ارباب از " انقلاب‌های شاهانه " است . زمانیکه امواج " انقلابات " شاه فریدن گرفت برخی حقیقت‌پوشان و یاد ست کم ساده لوحان مدعی کشند که ماورهای گوناگون شاه از قبیل " اصلاحات ارضی " و " نفوس آزادی بد زبان " بجهت روابط شاه و شوروی و غیره علی رقم تمایلات اربابان آمریکائی صورت می‌پذیرد و ناشی از " عقب نشینی " شاه در برابر حواستهای مردم است و ماهیتاً " مثبت " میباشد . مسافرت اخیر شاه به امریکا و سخنانی که از جانب نیکسون باو تحویل داده شد باز هم این حقیقت را روشن ساخت که امپریالیسم امریکا از شاه خیلی راضی است و هیچ چیز مهمی در ایران خلاف میل امریکا انجام نکرده و نمیگرد . به نطق خدا حافظی نیکسون در موقع مراجعت شاه از کاخ سپید توجه کنید : " من نیز شخصاً معتقدم که مناسبات میان ایالات متحده و ایران هیچگاه بهتر از این نبوده . . . میان ما و نه تنها کشور شما بلکه شخصاً علیحضرتنا سیات خاصی وجود دارد " (اطلاعات ۳/ ۸/ ۸) بدین سخنان نیکسون نیز توجه نمائید " من بیاد می‌آورم که شش سال پیش وزیران خود را جمع کردید و بعنوان پادشاه مملکت سخن گفتید که هنوز تمام جهان آنرا بیاد دارد شما گفتید ما در این سرزمین انقلاب خواهیم کرد و این انقلاب بد آمد . انقلاب رزمینه با سواد کردن مردم که به پیشرفت‌های زیاری ناائل شده و انقلاب رزمینه اصلاحات ارضی که در آن خود شماسر مشق شدید و زمینهای خود را ب مردم اعطا کردید (۱) انقلاب رزمینه جنگ‌ها

اقتصادی و سیاسی " (اطلاعات ۳/ ۷/ ۸) . اگر نیکسون و انحصارهای امپریالیستی مخالف‌های بود که شاه میروند و آنرا بکشورهای دیگر مثل ایران در زنجیر سارسانند توصیه نمیکنند : این سرمشقی است که جهانیان شاهد آن هستند . سرمشقی که میراثی نه تنها برای کشور خودتان بلکه میراثی تمام کسانی که در کشورهای مختلف خواستار آزادی و پیشرفت مساوات هستند خواهد شد .

این وضع کلام با یاد نگرفتنان میدهد که کشوری عقب‌نشینی روینویست‌ها افسان نسرانی بود ماست و برای آن بود ماست که شما را " اصلاح طلب " واقع بین " و " عقب‌نشین " و " مثبت " جایزنند . بقیه صفحه ۳

## دربار ارباب زبانی پدیده‌ها

" ما باید کار خود و اقامت خود و ما را با روحیه تحلیل مورد ارزیابی قرار دهیم تا اینکه همه چیز را بجا می‌کنیم . . . بدین تجربه، بدست‌کار بی‌توان از اغنیای امیرکنا را ندانند . بی‌توانی تجربی و تجربه‌های است که باید پیوسته بشود " . (مسافرت دوم)

## میهن شاه

برون لطف‌های تردید با دشمن تمام ملت خود یعنی با ارتش اجنبی که میهن او را بران کرد بمورد وارد بندوست شد " (لنین) نمونه‌های چنین خیانت‌هایی در تاریخ نیست . شاه یکی از نمونه‌های روزانست .

امپریالیست حفظ و حراست " میهن " خود سرزمین کشور ما راوجب بوجوب دشمنان خلق فروخته می‌فرشود و مرزوم ما را هر روز بیشتر جولانگاه امپریالیسم میگرداند . آنگاه با کمال بی‌شرفی از دفاع از " این مرزوم " صحبت میکند .

شاه و اقلیت حاکمه هیچگونه پیوندی با سرزمین کشور ما مایلخو ماند آرند . مرزوم ایران با تمام خصوصیات طبیعی، اقتصادی و فرهنگی اش از آن خلق‌های بلاکشیده ایرانست . هم آنها هستند که به این آب و خاک که سرچشمه زندگی مادی و معنوی آنهاست وابسته‌اند . ثروتهایی که بر روی این خاک خوابیده و یاد ر اعناق آن نهفته است معلق به آنهاست . حوادثی که در این بطنه میگذرد بر روی آنها تأثیر می‌بخشد اگر بلای از آسمان فرود آید سراع کلیه آنان را میگیرد اگر خطی و کرسنگی و بیماری پدید آید زندگی آنها را در می‌کند . اگر اسارت و محرومیت است از آنهاست . آنها هستند که با کار خلاق خود ثروت‌ها را شاه و استعمارداران داخلی و خارجی روی را می‌قاپورینند ولی خود آنها بهره‌ای نمی‌گیرند .

این ارتش که برای تجهیز آن هر سال صد هاملین بمصرف می‌شود وسیله‌ای است در دست شاه برای آنکه مردم فقیر و کرسنه را در سرما و گرماساعت‌های طولانی به بیگاری وادارد و دسترنج آنها را خود و همستانش و اربابان بیگانه اش تصاحب کند . وسیله‌ای است برای آنکه ثروت‌های مملکت را بقیه صفحه ۴

شاه در سخنرانیهای خود در آنگاه که فرماندهی ستاد و دانشگاه " یاد آفندی " از دفاع از " این آب‌وخاک " دفاع از " این مرزوم و سرزمین " م میزند . که امپریالیسم که ام خانه البته منظور شاه دفاع از زلفه‌ها و دخمه‌های تنگ و تاریکی نیست که مسکن زحمتکشان ما است و دفاع از ویرانه‌هایی نیست که خلق بلاد یگ و زجر کشیده ما در آنها شب را بر سر می‌آورند . کسی بدین تصرف و تصاحب این " خانه ها " نیست تا لازم آید از آنها دفاعی صورت گیرد . در نزد شاه دفاع از " این آب‌وخاک " یعنی دفاع از مقام سلطنت و از ضروریات و زیاری شاه و خانواده سلطنتی و از املاک وسیع در باره از سرمایه‌های کدن و منافع سرشار شاه و وابستگان یا بسخن کوتاه دفاع از " میهن " شخص‌شاه و همچنین دفاع از سرمایه‌ها و منافع امپریالیست‌های رنگارنگ و اقلیت‌ها که وابسته به آنها ، امپریالیست‌هاست که " میهن " از دست رفته‌شاه را روز ۲۸ مرداد به ابراز گرد آیدند " دفاع از این آب و خاک یعنی همواره نگاه داشتن راه برای غارت ثروت کشور روینویست‌سیم مردم .

میهن مقلوهای طبقاتی است . در جامعه طبقاتی وقتی طبقات حاکمه فریاد " میهن " و " دفاع از میهن " بر می‌آورند ، در واقع تنها منافع خویش می‌اندیشند . آنها با ما هم میهن توده‌ها را می‌فریبند و بدفاع از منافع و امتیازات خویش می‌کشانند . طبقات استثمارگر هیچگاه از میهن پرستی به مفهوم واقعی آن بی‌نیو نمیرداند . هر زمان و هر کجا که منافع آنان در معرض خطر افتد آنها از خیانت به میهن و خیانت به خلق پروا نمی‌دارند . در انقلاب ۱۲۷۱ (کونپارسی) که مدت کوتاهی قدرت بدست طبقه کارگران " بورژوازی فراسه برای سرکوبی جنبش پرولتاریا

## درود پر شور و افتخار بر زندانیان سیاسی

# بیخبریا بدخواه؟

وجود گروه‌ها و عناصر انقلابی که در رزیزباز مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون به سبب ناکارآمدی جنبش کمونیستی و احزاب کمونیستی می‌پردازند و فعالیت ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی خود گرفتار انواع اقسام انحرافات اند اختصاصاً به جنبش مارکسیستی - لنینیستی ایران ندارند. چنین گروه‌هایی در کشورهای دیگر نیز به فعالیت زبان بخش‌شوند. در میان افراد این گروه‌ها بدون شک عناصر با حسن نیت و صدیقی رامینخواه یافت که در پی راه‌های جدید برای احزاب کمونیستی انقلابی خواهند پیوسته و ولی این فرجام هنوز وابسته به رشد و تکامل این احزاب و تکرش آنهاست. جلب این عناصر است.

آشنایی‌های فکری این گروه‌ها به‌ویژه در ارزیابی گذشته‌ها و کنونیست، شیوه احیای حزب طبقه کارگر پیوند با توده‌ها، الگوهای "کارته" ارکان مرکزی حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) بلژیک و هفته نامه "هومانیتیه سرخ" که بهت مارکسیست - لنینیست‌های فرانسه (در این کشور حزب کمونیست، مارکسیست - لنینیست غیرقانونی اعلام شده است) منتشر می‌شود برای اطلاع خوانندگان خود اقبال کرده‌ایم.

### از هفته نامه "کارته"

هم‌اکنون سند جالبی تحت عنوان "کوشش با خطر تدوین وظیفه کنونی کمونیست‌ها در بلژیک" در برابر دیدگان ما است که از طرف گروهی که خود را پیرو مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون می‌شمارد انتشار یافته است. این گروه دانسته و قیصیده از حزب برکراست و صاف و ساده وجود حزب را نفی می‌کند. ما از راه این رفتار دائره اشتغال خود را از خود جدا می‌کنیم. ستائیم آنها را به تهور سیاسی مسلطی داشته باشند برای آنکه در باره خود اینطور بنویسند:

"رفتار پدید روشن بینی سیاسی داشته‌اند و اعتراف کنند که "گروهی" که مانند شکل داده بودیم با شکست سیاسی مواجه شده است. ما باید بی‌سستی بودن نامی را که گروه بروری خود گذاشته است فاش گفت یعنی نشان داد که فقدان هرگونه شکل سازمان کمونیستی و خط مشی سیاسی و فقدان حداقل توافق بروری اصول و هرگونه سبک کار صحیح با محتوی گروه که واقفان باید کمونیست (مارکسیست - لنینیست) باشد در تضاد کامل است."

شکست سیاسی این گروه ما را به تعجب نینداخت. مسأله مبتکرین آن و اشتغال آنها را از قبول انضباط و تشکیلات و مقابله آنها را با هرگونه عمل متحد از پیش می‌شناختیم. درک آنها از حزب ایدئولوژی بود. آنها از دیدن واقعیت باز دیدن ممکن و غیر ممکن دوری می‌جستند و آنها به تری ایدئولوژیک خود به سه معلومات کتابی خود مطمئن بودند و آنها گویا مارکسیست - لنینیست‌های واقعی بودند و رفتاری با انضباط را رویزونیست‌های هوادار تبعیت کورکورانه می‌شمارند. تجربه نشان داد که این رفتار اشتباه بودند...

ما در برابر رفتاری جوانی قرار گرفته ایم که هرگز حزب را ندیده‌اند، آنها از مبارزاتی که از زمان تأسیس گروه‌های کمونیستی و سپس حزب کمونیست (در ۱۹۲۱) جریان یافته هیچ چیز و بی‌تقریباً هیچ چیز نمی‌دانند. چیزی که ما به تأسف است. نادانی آنها چندان غیر ارادی نیست زیرا ما با جوانانی سروکار داریم که اغلب دانشجویند، پاره‌ای از آنها هم‌اکنون روشنفکران ناچهارتمی هستند (آنها در کتابخانه‌ها می‌نویسند و مطالعه تاریخ حزب می‌پسندند). معرفت به تاریخ امپریالیستی نیست و انسان را از بهم بافتن تراثات برجذ میدارند. کمونیسم از امروز آغاز نمی‌گردد. فعالیت آن در کشورهای با جوانانی که این سند را نگاه داشته‌اند پدید نیامده است... گفتن اینکه حزب هیچ کوششی برای پرورش تئوریک اعضای خود نکرد از عدم شناخت سرچشمه می‌گیرد... ما گفتیم که این رفتاری جوان موجودیت حزب را برسمیت نمی‌شناسند و در صد آنند که خود حزبی ایجاد کنند. شیوه‌های که آنها می‌خواهند برای ایجاد حزب بکار برند بیشتر به رویا شباهت دارد:

آنها می‌خواهند گروه خود را که عملاً منحل شده احیاء کنند، سازمان دهند و برای آن رهبری بوجود آورند ولی آنها معتقدند که این فقط یک گروه فرود پرورزی خواهد بود که مطلقاً هیچ وجه مشترکی با رهبری طبقه کارگر ندارد. معذرت این گروه به کارخانه‌های هاروی خواهد آورد و تراکت و پرورش پرورش خواهد کرد و کارگرانی بعنوان عضو گروه آنها خواهند پیوست و آنها بی‌تربیت این کارگران همت خواهند گماشت. بهتر است که این کارگران واقعاً مارکسیست - لنینیست‌ها باشند نه آنها خود را از رهبری کار خواهند کشید و آنها را کارگران و کارگران خواهند کرد. بدین ترتیب است که رهبری پرولتاریائی بوجود خواهد آمد!

انسان در برابر چنین طرح‌هایی که کارگران و رهبر مارکسیستی - لنینیستی، کارگران و رهبری کارگری است و اقتصاد حیران می‌باید زیاد در اینجاسخن بر سر پرورش و تربیت کارگرانی که رهبری پرولتاری است توسط روشنفکران خود پرورزا! و این دستنظم مقابل آن چیزی است که حزب کارگری انقلابی باید پدید بیاورد. کنه

این رفتاری جوان که از خبر پرورزی مشابه می‌گیرند مدعی اند که حزب وجود ندارد. این افسانها در راستای خودشان هم میدانند. حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) بلژیک وجود دارد. هراندازه خلاف آنرا بگوئیم و آرزو کنیم روایتی بی‌بهره می‌شود. حزب ما بی‌بهره حزب کوچکی است ولی این امر کارگرانی آرزوست. رفیق این بی‌بهره و کارگرانی خود به همین شکل حزب کمونیست چین یاد آور میشود که این حزب بر افتخار در رفتار فقط از گروه‌های کمونیستی تشکیل میشدند که ادعای آنها بیشتر از چند نفر نبود. رفتاری چینی در انتظار درجه کمال و وضع عالی باقی نماندند و حزب را تأسیس کردند. از آغاز هم هم‌چیز در حد کمال مطلوب نبود، مبارزات پدید در گرفت و سالها طول کشید تا خط مشی صحیح پرورزر کردید. لا زود با یاد آور نیست‌ها و سگاریست‌ها و اعمال دشمن و آنهاست که گرفتار انحطاط می‌شوند مبارز می‌شوند. حزب هنوز هم ساخته می‌شود، بلا انتظار ساخته می‌شود.

حزب ما مشکل است... کمیته مرکزی ارکانهای نقیض ما در اکثریت وسیع خود از کارگران تشکیل میشوند ولی حزبها از رهبری کارگر ما می‌توانند. ما روشنفکران خود پرورزا را چنانچه بسه خلق بی‌بهره ندانند و ما لیبی فریب و با انضباط در حزب زندگی کنند نمیرانیم. حزب کمونیست بلژیک در صورت خود روشنفکرانی را پروراند است... که قهرمانان جان سپردند و ما با آنها اشتغال حزب پرولتاری اند.

ما در حال حاضر کنگره خود را در کمیته بینیم و بدین منظور در زمینه ایدئولوژی و فاشا کوشش می‌کنیم... ما در رفتار کنگره از تحلیل طبقه بلژیک و مطالعه دستمشی می‌اشیم. ما برنامه سیاسی و برنامه مطالباتی و اساساً معهود دارند وین خواهد پیوسته و اساساً نیز در زمینه کار در میان جوانان تنظیم خواهد شد.

مانند دیگر که این اسناد کامل خواهند بود. هرگز احتمالاً به آنها انتقادات بسیاری می‌تواند وارد باشد. اما این اسناد بیشتر از کارگرمیکنند و نشانه این تمایل اند که به این خلا "ایدئولوژیک" پایان داده خلائی که از ۱۹۴۵ کریهات حزب کمونیست بلژیک است و همان است که حزب را به انحطاط کشانیده است. رفتاری جوان بویژه بدانند که ما مدعی آن نیستیم که حقیقت انقلابی و موضع صحیح در انحصار ما است. آنها نیز می‌توانند کمک بسیاری بیاورند. آنها از هم اکنون و هر روز باید از خود بررسند آنها را باید در انتظار ایجاد یک حزب کمال طلب توسط گروه‌های میرا از هرگونه عیب و نقص می‌بایند براف غلطی نمی‌روستند آنها باید بدانند که از هم اکنون حزب در حال ساختمان است چه بهتر که این ساختمان با شرکت آنها صورت گیرد.

### از هفته نامه "هومانیتیه سرخ"

این هفته نامه تحت عنوان "نادان باید خواه" چنین می‌نویسد: چندتن پرچانه که بدون شک از موفقیت مجلس یاد بود ما با خاطر رفیق هوشی من در جوار راحتی شده اند اکنون می‌گویند این فکر را تبلیغ کنند که سخنراي ما "رویزونیستی نو" است و نقش حزب کمونیست فرانسه را در دوران "جنگ یلید" استعمار فرانسه آرایش دیده‌اند. این مارکسیست - لنینیست‌های عجیب از تاریخ بجزیرند و فکر می‌کنند که می‌توانند تاریخ را به شیوه خود - شیوه‌ای که بیشتر شد کمونیستی است تا قدر رویزونیستی - نسف کنند. مثلاً آنها می‌دانند که مبارزه طبقاتی پیوسته بطور مشخص در

# درباره شوروی و هند

رویزونیست‌های ایرانی مدعی اند که بهبود مناسبات سیاسی، کمک‌های اقتصادی و نظامی و مالی اتحاد شوروی به رژیم دست‌نشانده و دشمن آشامه و توسعه این "کک" هاگام مبنی در راه استقلال و آزادی ایران از بیخ امپریالیسم است. آنها این اقدام شاه را که منتهی به ایجاد کارخانه‌ها و پیمان‌گردیده تحقیقی از منتهی مواد پرتامه حزب خود می‌بازان می‌شمارند.

دولت هند سالها است با اتحاد شوروی مناسبات حسنه از سالهاست دولت شوروی "کک" های اقتصادی و نظامی خود را بسوی هند روان کرده است. نعتیاد این کشور به ساختمان کارخانه‌ها و پیمان دستوره بلکه کارخانه‌های دیگری نیز نیسان نهاده است. نتیجه این "کک" ها چیست؟ کسانی که کم و بیش از وضع هند آگاهی دارند بر این امر واقفند که این "کک" های اقتصادی و نظامی و مالی نه تنها حلقه‌های هم از زنجیر اسارت خلق هند نگشود ما سبیلکه حلقه‌ها را تنگتر کرد و حلقه‌های تازه ای هم پدیدان آورده است.

ما هفتاد هفتاد "آزادی" (لیبریشن) در شماره فوریه سال جگر مقاله‌ای در زمینه مناسبات هند و شوروی درج کرده است. ما برای اطلاع خوانندگان در بجا هفتاد "کک" های شوروی قسمت‌های زیر را از آن اقتباس می‌کنیم.

آنچه که در زیر نقاب روابط تجاری شوروی و هند صورت می‌گیرد ظوری است که هند را از مواد اولیه اش محروم می‌سازد و استعداد صنعتی شدن آنرا بعد از تخفیف میدهد. ما هفتاد هفتاد چنین می‌نویسد: "رهبران شوروی که جلب صنعت چشم آنها را خیره کرده است می‌کشند از طریق توافق‌های پولی منافع فراوانی بدست آورند تجارت هند بار وسیع به رویه تنظیم می‌شود و در نتیجه تمام اشغال صادرات هند به شوروی نسبت به واردات از شوروی، عملاً مذکور رویه در اختیار هند می‌گردد که فخر برای خرید از شوروی و دیگر کشورهای اروپای شرقی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب یک خرید از اجاری تبدیل می‌گردد. هر قدر این اضافه بیشتر باشد، هند باید از شوروی و اروپای شرقی بیشتر جنس خریداری کند."

بعلاوه شوروی از فروش اغلب محصولات که از هند وارد می‌کند منافع سرشاری برد. شوروی این اجناس را به قیمت کم بخرند و برچسب آنها را عوض می‌کند و سپس در بازار اروپا به دلالتی بی‌مناسبت.

تمام عملیات و اقدامات بزرگی که بکمک ما انجام می‌دهند رول انجام می‌شود زیر کنترل مخصوص فرود رویزونیست‌های شوروی است و هفتاد هفتاد کنترلی بروری نقشه‌ها و طرح‌ها ندارند و در نتیجه از یک طرف عده‌ای از کارخانه‌ها و مؤسسات با احتیاجات واقعی هند کم مطابقت دارند با مطلقاً مطابقت ندارند. مثلاً در ۱۹۶۸ کارخانه‌های جراحی ۲۴۶ هزار آلت جراحی ساخته است که از آنها فقط ده هزار مورد استفاده.

در روز حزب کمونیست فرانسه ظاهر کرده و در دوران‌های بسیار خط مشی پرولتاری برخط مشی اپورتونیستی راست پیروز گردیده است پس از ۱۹۴۹ تحت رهبری دفتر اطلاعات احزاب کمونیستی و کارگری (اینفورم بورو) حزب کمونیست فرانسه خط مشی شدیدا اشتباه آمیز خود را که در ۱۹۴۵ در موقع بازگشت "تور" جانشین خط مشی دوران ۱۹۴۴ - ۱۹۴۶ شده بود اصلاح کرد...

درست باین علت که ما ادامه دهنده مشی پرولتاری صحیح حزب کمونیست فرانسه هستیم و ریشه‌ها ما ریشه‌ها و سرک‌ها ما نماینده خط مشی خود پرورزانی اند ما وظیفه داریم و باید ظاهر تاریخی این خط مشی انقلابی را یاد آور شویم. اگر آرایش حزب "کمونیست" فرانسه نیست و آنکارگرمیانی که محروم‌اند ما سانسور کنند. نادان‌هایی "بمب‌سند" از این عم بالا نرید خواه‌ها را لوجی هستند که ضد کمونیسم خود را در نقاب شد رویزونیسم امتعانی خویش می‌نویسند و اینصورت ما با آنها وجه مشترکی نداریم و آنها را بکار نگیریم و امید داریم. مشی پرولتاری مارکسیستی - لنینیستی علی رغم اشتراکات با کمونیسم خود پرورزانی و علی رغم رویزونیسم پیروز خواهد شد.

# گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتاری است

سافرنی دیگر . . . بقیه از ص ۱  
کمبود روابط شاه و شوروی را اقدامی در جهت تحقق آرمانهای مردم ایران جلوه گسازند .

شاه پس از برگردن ارتجاع و ریزش مومین در اتحاد شوروی و کشورهای سابقاً سوسیالیستی امکان یافت ثروت های ملی ما را برای این کشورها نیز ببرد آورد . این اقدامها امیال امپریالیسم آمریکا انطباق داشته هم بعصره سوسیالیسم شوروی بود هم بفتح شاموطیقات حاکمه ایران . با امیال امپریالیسم بعوان جهت انطباق داشت که اولاً اسارت مردم ایران با کمک ریزش مومین های شوروی سهل تر است و ثابون این کمک ، ثانیاً دشمنی شوروی و شاه منتهی به منافع اقتصادی آمریکا لطمه ای نزد پلنگینا بر آثار اقتصادی و در عرض پنج سال بین ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶ مجموعه معاملات ایران و آمریکا از ۹۷۶ میلیون دلار در سال به ۲۳۳ میلیون دلار رسید است تفاوت نفت نیز افزایش یافته و باز هم افزایش بی یابود و هیچگونه محدودیت در هیچ زمینه ای از جمله نظامی - برای آمریکا ایجاد نگشته است . این اقدام بصره سوسیالیسم امپریالیست نیز جهت زبردست آنها را در رفتار کشور دیگری باز میگذارد که کشوری که میتواند یکی از حلقه های پیوند سازندگان آنه آمریکا و شوروی را تشکیل دهد سیاست امپریالیست آنها مبنی بر تقسیم مجدد جهان کلتر سازند . این اقدامها آخرین به سود شاه و طبقات حاکمه ایران نیز هست و زیرا حمایت سیاسی و اقتصادی و نظامی آنهاست و از یک جانب ( امپریالیسم ) بلکه از دو جانب ( امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم ) انجام میگیرد .

شاه که کشور را یکی از تنگناهای خورشید میسازد و همین دلیل در مصاحبه تلویزیونی خود در آمریکا به انحصارگران اطمینان داده که : " بنظر من شوروی در منطقه خاور میانه سیاست مخرب ندارد . . . این سه دشمن همپایان نزد ایران - امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم و شاه و ارتجاع داخلی - بیست و نه پیوند اشرف افت خویش تحکیم می بخشد و لاف و دست به یکدیگر میزنند . بخصوص سوسیالیسم امپریالیست ها که بیگانه اجتماعیان در ایران هنوز به استحکام نگاه امپریالیست هائیت به رونق این بازار دستی بیندازند . آنها در ستایش رژیم شاه روی امپریالیست ها هم سپید کرده اند آنها نیز از امپریالیست ها " انقلاب شوروی " و سایر امورهای شاه را ستودند . همین چند روز پیش وزیر صنایع جنگی بلخارستان داد سخن داد که : " اقدامات عملیات و پیشرفت های شمار د رشته جنگیانی هم متعجب و هم تحسین مبراز نگینت . . . و نمیتوانم کمبود پیدا کنم که برنامه جنگ گاری آن از لحاظ تکنیک و سرعت و ست برنامه اطراف حذران قابل مقایسه باشد . . . ترقیات کشور شما فوق العاده است " . تهران اکنون توسط در سر مقام خود از قول این آقای وزیر نوشت : " مطابقت واقعیت را مقهور خود ساخته اند " . همه میدانند که این مدعی حصرانی هائیت با زا رکوبی تجارتی است و برای آنستکه پیوند شاه و کشورهای سابقاً سوسیالیستی گسترش یابد و زمینه برای سازش بیشتر با امپریالیسم آمریکا وسعت یابد و شرایطی فراهم شود که مردم نسبت به شاه و نسبت به مانورهای نواستعماری او کسب اعتماد کنند و تقای رژیم او را بپذیرند و مردم ایران هم شاه را می شناسند و هم امپریالیست ها و سوسیالیسم امپریالیست ها را . روزی که مردم ایران برای نجات قطعی خویش بیاخیزند ، هیچ یک از این تیرنگ با زان را امانی نخواهد ماند .

درباره چاپ سه رساله از استالین در اثر اعلام اینکه سازمان توان در صد است که بنیاست نود سالگی استالین و این شاگرد وفادار او ادامه دهنده کیبیر کار لنین و سه رساله از آثار کرانیهی او را بچاپ برساند اعضا سازمان و بسیاری از هواداران به سعادت مالی همت گماشتند و بار دیگر با شور انقلابی خود موجب دلگرمی و امیدواری سازمان ما گردیدند . با سیاستگری از همه رفا و دوستانی که با این کار بیسته باری رسانند امید داریم که آن را بی پایان برسانیم و رسالت مذکور را بموقع در دسترس همگان بگذاریم .

سپاره در . . . بقیه از ص ۴  
خلق جهت آغاز مبارزه واقعی خلقی جهت سرنگونی کامل این دستگاه فاسد و با جنگ تودهای طولانی بکوشند .

" میهن " شاه . . . بقیه از ص ۱  
در اختیار گیرد آنها را بفرستد و از فروش آنها یک تیرگانی جمع آورد تا هر موقع که هموارا پس ند این آب و خاک را تارک کرید " به " مرزوم " دیگری رهسار کرد و مردم این مملکت را بدست تندبادهای خودت بیسپار . بخاطر آوری که چگونگی به محض آنکه مقام و ثروت خویش را در خطر د میبوی در تنگ به اینا لیا لیا گریخت .

در زمان سلطنت رضاخان نیز از نیروی ارتش و اسلحه های مدرن آن زیاد سخن میرفت . رقم مهمی از آمدن کشور صرفنگاه اداری ارتش و خرید اسلحه های شده هفت ساله روزهای سوم اسفند واحد های ارتش را با لباسهای پرزرق و برق و تانک و توپ و هواپیما به مردم میکشیدند . آنچنان به این ارتش پیوسته عرب بودند که صحبت از تسخیر هغه شهر قفقاز بمیان میاوردند و بر آن بودند که ارتش ایران قادر است با یک حمله نامیدان سرخ مسکویش رود ! در آن زمان نه تنها پلیس بلکه ارتش نیز بر جان و مال مردم مسلط بود . چه تجاوزاتی که از جانب پاره ای افسران ارتش به جان و مال و نهادهای مردم صورت نگرفت . با اینهمه هنگام ورود دشمنین به ایران ( سوشیالیست ) ۱۳۳۰ ظرف چند ساعت بدون آنکه جنگی درگیر بشیر از ارتش بطوری از هم کسبخت که اثری از آن بر جای نماند . افسرانی که در ایذه و آذربایرد " شجاعت " بی نظیری از خود نشان میدادند با زبونی از برابر قوای متفقین گریختند و ارتش نظام مردم دیگر از پوشیدن لباس " پارتخار " نظامی هم چشم پوشیدند . ارتش رضاخان که دست تاوانش بسوی مردم دراز بود در موقع جنگ بدکم گهه بند کتیم و خسرو سیرت و لیکن نه آنجا که دیوار هست " ( افزایش ) پشت به جبهه کرد و فرار را بر قرار برتر شمرد .

ارتش پهلوی در گذشته چنین بود و اکنون هم خوش است که علی رغم گنده کوشی های بزرگ ارتشاران " و تکیه دفاع از این مرزوم بر سرده و اونیست . مگر نه اینست که سراسر میهن مقدس ما با دست شاه در زیر پای امپریالیست ها ما این بدترین دشمنان خلق افتاده است . مگر نه اینست که این دشمنان به برکت نهان های شاه در تمام شئون اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و نظامی با فرمانروائی دارند . کدام دشمنی از خارج خیال تجاوز به این " مرزوم " را در زمین بی پرواوند که دفاع از این در بر آن وظیفه ارتش شاهنشاهی " باشد . همه دشمنانی که به ثروت میهن ما و دسترخت خلق ما چشم دوخته اند ، با عزت و احترام دعوت میشوند که آتیه خواهان آند برگردند و بیایم بایند . پس شاه در برابر کدام دشمن از ارتش مطیلید که دفاع از " این مرزوم " بخیزد ؟

این دشمن مقدر توانا و دشمنی که شاه از نیم وی پیوسته برخورد میزند کسی جز خلق نیست . نفع عده و اساسی ارتش اینست که اگر مردم بجان رسیده ، مانند هفته خوین خرد ادیسه قیام بر خاستند آنها را با رگزار گولک برخاک هلاک اندازد و یادر زیر زنجیر زندانهای سنگین خود با خاک یکسان کند . نقش عمده و اساسی ارتش اینست که برای دشمنان غارتگر محیط امنی فراهم آورد تا آنها با فراغ بال و بدون بیم از قیام صاحبان واقعی ثروت از خوان الوانی که شاه در برابر آنها گستره تنوع گزیند . دفاع از " این مرزوم " یعنی دفاع از شاه و امپریالیسم در برابر خلق . شاه درین راه ارتش خود را از انتقام و کزند خلق در امان می پندارد و قدرت را در دودمان خود ادبی می انگارد . چنانک گای شک هم چنین می پنداشت که درین راه ارتش چند ملیونی تیرک با بهترین سلاحها مجهز بود و با پشتیبانی امپریالیست هائیت که در چین و خلق چین در اسارت امپریالیست ها و ارتجاع داخلی نگاه دارد . اما خلق چین بیبند از رابخط بظلم کشید ، بیفین خلق های میهن ما ، صاحبان واقعی این آب و خاکی که ایران نام دارد بیبا خواهند خاست و با امواج سهمگین مبارزه خود طومار زندگی شاه و دودمانش و طومار زندگی امپریالیسم و ارتجاع داخلی را علی رغم ارتشی که با سلاحهای مدرن مجهز است در خواهند نمود و سرنوشته خود را در دست خواهند گرفت . آنگاه است که در " این مرزوم " آزادی بجای اسارت و روشنی بجای ظلمت خواهد نشست .

# ابتکاری پسندیده

ابتکاری که بعضی از حوزه های سازمان مایکارد به نامند بسیار جالب و پسندیده است . حوزه های مذکور هر یک نامی برای خود برگزیده و آن را از میان اسامی شهیدان نهضت کومینستی ایران انتخاب کرده اند . این ابتکار نشانه شور انقلابی و قاعی مایباشد و از پیوند سازمان مایا حزب کومینست ایران و حزب توده ایران ( پیش از فروغظیدن آن در روزیونیم ) خبر میدهند . این ابتکار نام رفیقان پرافتخاری را که در آمان های والای خلقی از زبان باری درخشانند زند نمکسید ارد .  
رفیق شهیدان را بر افران بجز در راهی که با خون آنها ترسپندیده است به پیش روی " - مفاخرتوسه دون

درباره شوروی . . . بقیه از ص ۲  
قرار گرفته است . از تحقیقاتی که بعمل آمده معلوم میشود که این کارخانه عمل در هند بازار ی نداشت است . از طرف دیگر هند برای تعمیرات تانکها در ای وقتها یدکی فقط میتواند به اتحاد شوروی مراجعه کند .

بخش های مختلفی از اقتصاد هند در زیر کنترل اتحاد شوروی است : انرژی ۷۰٪ استخراج نفت ۴۴٪ تصفیه نفت ۲۴٪ و غیره .

هند برای وامهایی که از اتحاد شوروی بگیرد ۲/۵ تا ۳/۵ درصد بر می پردازد . مهلت استتیک این قرض فوق العاده کوتاه است . شوروی از لحاظ قرضی که به هند میدهد بلافاصله پس از امیکار انگلیس قرارداد و از لحاظ دریافت سالیانه اصل و فرع این قرض در ردیف دوم است . در ۱۹۶۷ هند از شوروی ۴۲۰ میلیون رومیه وام گرفت در حالی که میانست ۵۳۰ میلیون رومیه بابت اصل و فرع قرض گذشت بوی بپردازد . بعلاوه درجه بندی هسین سال دولت هند میبایست بابت تجهیزات نظامی صورت حسابی ببلج ۴۷۰ ملین رومیه به شوروی پرداخت کند .

طبقات حاکمه هند ارتش خود را با وسایل جنگی شوروی مجهز میسازند . هم اکنون سه کارخانه ساختمان هواپیما " بیگ " در هند مشغول کارند . پنج هواپیکار پس از انقلاب بگیر اتحاد شوروی بوزواری کپراد و رو فتود ال های هند را در سر کوب ۵۰ میلیون مرد چندند که در اسارت و فرسیاه دستویا میزند باری میرسانند در نهال جنگ هند پاکستان اتحاد شوروی واقعاتش سود اگران اسلحه را بازی کرد .

طبقات حاکمه هند بعلمت کینه حیوانی خود نسبت به جمهوری تودهای چین و برای جلب پشتیبانی ریزش مومین های شوروی به این موافقت نامه های مالی و اقتصادی تن میدهند . ریزش مومینست های شوروی نیز آتش این کینه را پیوسته تیزتر میسازند .  
مغز " اقتصادی مالی و نظامی شوروی در هند ایجاد میکند که یک سلسله مؤسسات تجاری و موسسات حمل و نقل بنگاه های صادرات و واردات ، ارگانهای اطلاعاتی و خبرگزاری و غیره ایجاد کرد و این خود باعث میشود که گروهی از معامله گران هندی بصورت کماشکل آن اتحاد شوروی در آیند . و همانطور که بوزواری کپراد و وابسته به انحصارات آمریکا به روشنفکران طرفدار آمریکا پول میدهند بوزواری کپراد و وابسته به کرمان نیزه روشنفکران طرفدار شوروی کمک مالی میرساند .

\* \* \*

اینهاست نتایج کمک های شوروی به هند " کمک " هائی که سرخوی هم با " کمک " های امپریالیست هائیت تفاوت ندارد .

عنوان جد میگاتابت  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D' ADDA / ITALY  
حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 12470/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

موفقیت فضای مارکسیست لنینیست افغانی خود را در ایجاد حزب مارکسیستی - لنینیستی و رهبری انقلاب افغانستان آرزو کند .

سپاره در . . . بقیه از ص ۴  
خلق جهت آغاز مبارزه واقعی خلقی جهت سرنگونی کامل این دستگاه فاسد و با جنگ تودهای طولانی بکوشند .

# رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده ای است

# در دفاع از زندانیان سیاسی متحداً عمل کنیم

آهنکی کلیه سازمان های ملی و دموکراتیک عمل کنند شش سنگینی بر  
رژیم کور تا خواهند نواخت .

هنوز دانشجویان در لیدر انشکاشیروز زندان نشسته اند .  
هنوز سزونت در دانشجویانی که برای دیدار عزیزان خود در  
تابستان یا پیران بازگشتند و مخفیانه دستگیر شدند نامعلوم  
است .

هنوز صدویست تن از مبارزان خلق کورد در محسوس ض  
شکجه و اعدام قرار دارند .

صدای خود را برای آزادی همه آنها برای آزادی همه  
زندانیان سیاسی بلند کنیم .

افتخار پرگویی زندانیان سیاسی از هر سلسله از هر حزب و از  
هر طبعه .

برقرار باد اتحاد کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک در دفاع  
از زندانیان سیاسی .

شکجه که ان شاه به "تصفیه حساب" با آخرین گروههای دستگیر  
شدگان (گروسی نفی دانشجویان دانشکاه شیراز، گروسیست و  
پلنفر) گروه صدویست و نیک تن از جوانان کورد) مشغول اند  
و از سیاهچال های سازمان امنیت صدها باج نگیرند .

اینکه میگویی "آخرین گروههای دستگیر شدگان" فقط پیروی  
از آخرین خبرهاست و اگر رژیم محمد رضا شاه نمی از حبس و زجر و اعدام  
آزادگان نمی آساید و سلسله جنایتش را آخری نیست . هر گروهی  
که دستگیر میشود گروههای دیگری دارد . امروزه کشور تماماً از  
جهان میتوان یافته که در آنجا این همه تبعیضی در برده و خلاصه رت  
پذیرد و ستمی بی از لاش نیست که همه امپریالیست های جهان  
دست در دست رویزیونیست های شوروی در بنای رژیم کورنا بشارت  
ایران مشغول اند و بیغش و بیخشم آنها در روشن شدن صدای خلق ایران  
و چهره کریم محمد رضا شاه است . همان دستگاه های تبلیغاتی  
محمد رضاشاهی توانسته اند نقشه وسیعی برای دست آموز ساختن  
جراحدار ایرانی طرح کنند و در زهای لیرالیسم پوزیوانی را در مورد  
اخبار ایران با اوراق طلائی مسدود سازند . از جانب جراثمد نیای  
رویزیونیستی نیز حاضر نشان آسوده است و می اندک جزا را در جزایها  
جدید کولن - که آن هم شهرت نیستی از رژیم کورنا است - سیز  
دیگری در آنجا منتشر خواهد شد .

آن نیروی اصلی که این سکوت توطئه آمیز را در هم خواهد شکست  
نیروی خلق ماست، خلقی که هرگز از مبارزه با استبداد و استعمار باز  
ناستاده است، خلقی که سیمیت رژیم کورنا را در پیگیری بر سر سختی  
و انقیاد ناپذیری است . بدین تردید خلق ما در روی مبارزات و تجا  
خود سلاح پیروز گزود یعنی حزب مارکسیستی - لنینیستی را خواهد  
ساخت و راه جنگ انقلابی را خواهد پیوی و آنگاه هیچ توطئه ای  
نخواهد توانست فریب را بکند و از او را از فضای کیتی خاموش کند .  
فقط آن روز است که ما به "آخرین" دستگیر شدگان و "آخرین" شکجه  
دیدگان و "آخرین" اعدام شدگان محمد رضاشاهی خواهیم رسید  
و نقطه حتمی به کابطور جنایات و ستمها خواهد شد .

ولی این بان معنی نیست که در شرایط کنونی لحتهای آمیزه  
در راه افشا رژیم کورنا، از نبرد برای در هم شکستن توطئه سکوت  
امپریالیست ها و رویزیونیست ها و از نیکو برای رعای گرفتاران محمد  
رضا شاه بازایستیم . سودمندی این اقدامات را تجارب متحد نش  
کرده است . جوانان مبارز ایرانی و علی رغم شکهای گسترده سازنده  
امنیت پیوسته بشیوه های مختلف موفق میشوند که آدم زردی ها  
این سازمان سیاهکار را با اطلاع عموم هم میهنان برسانند و اخیسار  
را بخارج از ایران منتقل کنند تا در عرصه بین المللی مورد استفاد  
قرار گیرد . برای نمونه میتوان اعلامیه دانشجویان دانشکاه تهران  
را مثال آورد . در چنین شرایطی مسئولیت خطیری بر عهده ایرانیان  
مقیم خارج است که از امکانات بیشتر برخوردارند و اگر متحداً و یاهم

## مبارزه در افغانستان

انتخابات مجلس افغانستان که هم سنگ مجلس محمد رضا  
شاهی است - چندی پیش پایان یافت و بعد از آن از خاندان دربار  
مالکان و سرمایداران بزرگ و وابستگان به امپریالیست ها و رویزیو  
نیست ها برکسی تریب دریا نشستند . خلق اسیر افغانستان بسا  
نفرت و بیزاری باین صحنه سازی شوم مینگریست . مارکسیست -  
لنینیست ها که پیوسته مورد حمله و هجوم رژیم محمد ظاهرشاهی  
اند و عدای از آنان در زنجیروی گرفتاران از فرصت "انتخابات"  
برای افشا ماهیت حکومت و تظاهرات در روین دموکراتیک آن  
استفاده کردند و چون از دشمن هرگونه طریقه علقی محروماند  
به پخش اعلامیه ها و بیانیه های مخفی همت گماشتند . آنها در  
اعلامیه های تحت عنوان "مسرگ بر انتخابات سرکساری" و "زند  
باد پیروزی جنگ توده های" پس از تحلیل مفصل پدیده پارلمانتاری  
چنین نوشته اند:

"قانون اساسی و دموکراسی کنونی که طبق حاکمانه این همه  
جاری و جاریست پیرامون آن بره انداخته - درست ایجاد اساسات  
سیاسی استقرار سیدات بورژوازی بورکرات کپران یعنی قانونی  
ساختن استثمار امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها در  
کشور ما بشمار میروند . بهمین علت این دموکراسی نمیتواند چیز  
دیگری جز دموکراسی کاذب و دموکراسی بوروکراتیک و دموکراسی  
فاشیستی باشد . بیجهت نیست که خلق ما در همان نخستین  
مرحله های بیان آمدن این باصطلاح دموکراسی و آن را بیگانه،  
مصنوعی و کاذب یافتند . . . این پارلمان جبرانی است که بور-  
ژوازی کپران را از راه آن در ترکیب دولت مطلق قنود الهی نفوذ توده  
و باوی در حاکمیت سیاسی ارتجاعی شریک میشود ."

اعلامیه از چهره رویزیونیست های افغانستان که با آرایش رژیم  
مشغول اند و صحنه سازی انتخابات محمد ظاهرشاهی را بسا  
شرکت خود تکمیل کردند تا در پیشگاه رژیم پیوسته کنونی مقامی  
داشته باشند نقاب بر میکرد و مینویسد: "نفرت آورتراز همفتن  
کپران های "سرخ" است که با بسن عنوان "فیرتسند خلق" بر  
خوبش میکشند حقایق تکامل تاریخی جامعه را وارونه جلوه اند  
منافع خلق را بشیرمانه بمعامله کردند ."

اعلامیه باین نتیجه گیری پایان می یابد:  
"منافع خلق ما از تمام انقلابین حقیقی و دموکرات های انگلا  
و وطن پرستان واقعی میخواید تا تصورات واهی را بدور افکند  
و با تشریح ماهیت حقیقی شمشید بازی انتخابات در راه آکا  
ساختن و بسج کردن و سازمان دادن بقیه رصقه ۳۴

رادیو بیگ ایران میگوید: موافقت نامه های اقتصادی شوروی  
و ایران "برای رشد اقتصاد ایران" برای تنگ کردن عرصه بر  
امپریالیسم "است" "سود حال و آینده کشور است"

ولی ارقام نشان میدهند که این موافقت نامه ها نظیر موافقت  
نامه های امپریالیستی است و بقصد چپاول ایران است و فلج کننده  
رشد اقتصاد کشور ماست و نقطه راه را بر امپریالیست ها  
نمی بندد بلکه راه همکاری راهزنان سوسیال امپریالیست های  
شوروی را با امپریالیست های امریکائی هموار میکند . موافقت  
نامه گاز ایران به شوروی نمونه ای است از غارتگری در کان رویزیونیست  
های شوروی از محل خرید گاز سود حداکثر بر میدارند و امپریالیست  
های غربی از محل فروش لوله حلی گاز .

بخوبی دیده میشود که مبارزه با امپریالیسم از مبارزه بسا  
رویزیونیسم جدا نیست . رویزیونیست ها امپریالیست ها و حکومت  
محمد رضاشاهی در یک طرفند و خلق ایران در طرف دیگر .  
و فقط مبارزه قهر آمیز و فقط جنگ انقلابی توده های می تواند خلق  
ما را بر این دشمنان متحد پیروز گرداند .

## "آب شور و گاز عین"

وطن فروشان عهد قاجاریه هر وقت قطعه ای از خاک ایران را  
بمغارتگران بیگانه تسلیم میکردند آن قطعه را "زمین با بیروم بفرز"  
و "والر کردن دولت یابد ملت" مینامیدند حاجی میرزا آقاسی  
معروف موقمی که آبهای جنوبی دریای مازندران را به تزارهای  
مهاجم روسیه تقدیم میداشت آن را "آب شور" و "مایه شمر"  
خواند .

اینکه رویزیونیست های حزب توده ایران که در واگذاری گاز  
ایران به تزارهای جدید کوسملن با محمد رضاشاه همدستان  
شده اند بمطابق حاجی میرزا آقاسی توسل میجویند . خلاصه حرف  
آنها چنین است: بگذار رویزیونیست های شوروی این گاز عین را  
از فضای صاف و دلکش ایران دور کنند!

رادیو بیگ ایران در جواب شنوندگانی که بر کتک های رویزیو  
نیست های شوروی بوزیم محمد رضاشاه و بر غارت گاز ایران اعتراض  
کرده بودند چنین پاسخ آورد (در سه شنبه ۲۱ اکتبر) که شوروی  
"گازی را که سالیان دراز در دود شده و به هوا میرفت میکرد و بجای  
آن منابع مادر ایجاد میکند ."

این همان توجیه همیشگی امپریالیستها است . آنها هم گفته  
و میکنند که ما نفتی را که قرن ها بجا حاصل افتاد میرو و شما از  
وجودش نیز خبر نداشتید با هزار زحمت بیرون میکشیم و در عوض  
بشما لیسه و دلار میدهیم، برایتان کارخانه هایی تعمیر کارخانه  
پترو شیمی میسازیم .

امروز همه بر اهمیت گاز در صنایع واقفند . گاز یکی از مهم  
مواد صادراتی کشورهای نظیر الجزیره است . خود اتحاد شوروی با  
انگلیز منابع ارضی خویش و برکت قراردادی که با ایران منعقد  
ساخته یکی از بزرگترین فروشندگان بین المللی گاز است و رویزیو  
نیست ها بیشتر بازارهای اروپا را تسخیر میکنند و بر اقتصاد نوحا سئوال الجزیره  
که احتیاج حیاتی به فروش گاز دارد از این حیث بیرحمانه خرس  
میزند . یکی از آخرین سوداگری های شوروی در این زمینه با آلمان  
غربی است و همان آلمان امپریالیستی که رویزیونیست ها با اوطا  
در کساکش و باطناً در بند هستند . روزنامه های آلمان غربی خیر  
دادند که کارشناسان گاز شوروی در ماه سپتامبر برای تسهیل  
مذاکرات لازم با این کشور رفتند و قرار است در ماههای آینده مجدداً  
با حضور نمایندگان انحصار داران آلمان غربی در مسکو برای معاطه  
گاز منعقد شود .

برای نشان دادن درجه غارت رویزیونیست ها کافی است فقط  
باین نکته توجه کنیم که دولت شوروی گاز ایران را در مرز خود از  
قرار هر هزار متر مکعب ۱/۶ دلار میخرد ولی گاز را به کشورها  
از قرار هر هزار متر مکعب ۱۰ دلار در مرز آن کشور میفروشد و شش  
اینکه اگر سودخالص او را از قرار هر هزار متر مکعب ۸ دلار حساب  
کنیم و چون قرار است که ایران سالیانه بطور متوسط ۸ میلیارد متر  
مکعب گاز به شوروی تحویل دهد غارتگری سالیانه رویزیونیست های  
شوروی از این بابت قریب ۶۴ میلیون دلار خواهد بود .

از طرف دیگر طبق موافقت نامه ایران و شوروی (بمهر ۱۳۴۴)  
لوله کشی گاز از صنایع جنوب تا آستارا بر عهده دولت ایران است  
و مخارج آن را کللاً دولت ایران باید بپردازد . اما مخارج مذکور  
طبق آخرین برآورد بر ۶۰۰ میلیون دلار بالغ میشود که دولت  
ایران باید آنرا از محل وامهای خارجی یا سود ۸ درصد (بدلت  
بیست سال) تأمین کند . باین طریق آنگاه که لوله کشی پایان  
دولت ایران باید سالیانه ۳۰ میلیون دلار بابت استهلاک وام و ۸  
میلیون دلار بابت بهره آن و یعنی مجموعاً ۳۸ میلیون دلار بپردازد  
(تهران اکتومبست ۲۶ مهر ۱۳۴۸) و حال آنکه اگر سالیانه  
بطور متوسط سالی ۸ میلیارد متر مکعب گاز هم بدولت شوروی  
بفروشد بیش از ۶۴ میلیون دلار درآمد خواهد داشت .

چنین است منظره کلی معامله ای که رویزیونیست های شوروی  
از دولت محمد رضا شاه تحصیل کرده اند .

## پیروز باد مبارزه در خانه خلق فلسطین